

## بسم الله الرحمن الرحيم

در بحث اربعین عرض شد که یک بحث مهم مقایسه‌اش با بحث حج است. خاطر مبارکتان هست آن زمانی که حج را میگفتیم، گفتیم یک حج اصغر داریم که حالت فردی دارد و یک حج اکبر که از روز هشتم ذی‌الحجه است، که دسته جمعی انجام میشود.

این را مفصل عرض کردیم که وقتی که دین یک حالت دسته جمعی و اجتماعی پیدا میکند، گواهی بحث امامت است در آن. یعنی وقتی همه یک کاری دارند میکنند اشاره ای است به امام و امام حی. مثلاً وقتی باهم نماز میخوانند، اگر نمازشان نماز جماعت است نه نماز هماهنگ، نماز جماعت اگر دارند میخوانند؛ این معلوم است که یک امام حی وجود دارد. اینطور نیست که ضبط صوت گذاشته‌اند دارند پخش میکنند و ملت دارند رکوع و سجده میروند. کلاً تفاهم ما در این زمینه وجود امام حی است. خود مساله حج رسماً این نکته **يَأْتُوكَ رِجَالًا يَا تَهْوِي إِلَيْهِمْ** را نشان داد که مفصل بحث کردیم.

یک زیارت سیدالشهداء داریم که همان زیارت فردی است و یک اربعین داریم که آن زیارت جمعی است و به همان شیوه ای که میگوید **يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَكُ جُورَهَائِي** (است) همه طرفه باید خودشان را برسانند.

من در ابتدای هر جلسه یک نکته ای در مورد فضیلت زیارت امام حسین از روی روایت عرض بکنم، بعد این بحث را ادامه میدهیم.

در فضایل زیارت امام حسین که ما کم روایت نداریم. ولی همین نسبت‌هایش با بحث حج را دقت کنید. در کامل‌الزیارات صفحه 68 روایت یک اینطور دارد که از امام صادق علیه السلام کان‌الحسین بن علی علیه السلام ذات یوم فی حجر رسول الله صلی الله وعلیه وآله یلعبه و یضاحکه امام حسین در همان حالت طفولیتشان یک روزی در دامن پیغمبر (یودند) پیغمبر داشتند با او بازی میکردند و میخنداندنشان. باهم دیگر میگفتند، میخندیدند و بازی میکردند. از این بازیهای پدری‌بزرگ نوه ای خیلی جدی. فقالت عائشة یا رسول الله ما اشدّ اعجابک بهذا الصبی (عایشه) میگوید شما با این بچه خیلی دیگر حال میکنی انگار، خیلی با هم کیف میکنید. فقال لها: و یلک و کیف لا احبه پیغمبر به عایشه گفتند وای بر تو! چطور دوستش نداشته باشم؟ و لا أعجب به و خوشم نیاید اینجوری و عشق نکنم باهاش؟ و هو ثمرة فؤادی، و قره عینی این نور چشمم و میوه دلم است اما انّ امتی ستقتله امت من این را میکشن فمن زاره بعد وفاته کتب الله

له حِجْتِه مِنْ حِجَجِي كَسِي كِه اَيْن كَار ( زيارت امام حسين ) را بکند ثواب حجي از حج های من را میبرد. ببینید این خیلی عبارت عجیبی است. ثواب حج، آن هم نه ثواب حج خودش ( خود ادم ) ، ثواب حج من را میبرد. شما تصور کنید پیغمبر خدا تشریف ببرند حج چقدر ثواب دارد؟ ( فرمودند ) ثوابی از ثوابهای حج من را میبرد.

تعجب کرد همانطور که ما تعجب کردیم. قالت: یا رسول الله حجة من حججک؟! قال: نعم، حجتین من حججی دو حج از حجهای من را میبرد. قالت یا رسول الله حجتین من حججک؟ قال نعم و اربعه. چهارتا حج قال فلم تزل تزاده و یزید و یضعف همینطور تعجب میکرد و میگفت چهارتا و حضرت همینطور بالاتر میبرد حتی بلغ تسعین حجة تا به نود حج رسید من حجج رسول الله صلی الله وعلیه وآله باعمارها یعنی حج و عمره با هم دیگه. ثواب نود حج و عمره خود پیغمبر. ببینید این میشود فضایل عجیبی که نسبت به حج بلکه نسبت به حج خود پیغمبر، جریان زیارت امام حسین در آن نهفته است.

البتة طبیعتا این در تمام زیارتها هست. عارفا به حقنا ، این را باید بگذاریم. بعضی وقتها اینها قراین لبی است یعنی شما بگویند که عارفا بحقنا که نداشت. درست است نداشت ولی این جزو قراین لبی است و در این روایتها هست. از مخصصات لبی است. نه اینکه کلا سرش را بیاندازد پایین و برود. نه بداند امام کیست، نه بداند ولایت چیست، نه! میدانند ما باید دور ولی حی جمع بشویم چیست، جریان امام حسین چیست.... این ثواب زیارت حضرت و این عارفا بحقنا و اینکه بدانند ( انسانها ) چرا به ما احتیاج دارند و اصلا جهت این که به ما احتیاج دارند چیست. اینها میشود عارفا به حقنا. منظور تمام موارد قربی و تجلیات ذاتی نیست. که اینکه ما باید در محدوده خود اینها قرار بگیریم و بفهمیم. اگرچه این بحثها هم به شدت بحثهای لازم هستند. برای همین جامعه کبیره را گفتند حتما داشته باشید بخوانید.

حالا من موقعیت جامعه کبیره را برای اربعین در یک سرفصلی عرض میکنم. چون به امام هادی برمیگردد و چینی که ائمه‌ی پایانی دارند میکنند؛ به جریان زیارت اربعین گره خورده است. ولی خود جامعه کبیره و اینها را دریافتن و دنبالش بودن و مقام امام، امام کیست؟ چه مقامهای قربی امام، چه مقام ولایت عرضی امام، اینها هرکدامش ( بحثی دارد ) ما باید بدانیم داریم عملا کجا میرویم. کما اینکه در بحث حج شما دیدید. در حج اگر ندانیم داریم کجا میرویم و چکار میکنیم یک معمایی بیش نیست و بهره از حج بسیار پایین میاید. همینطور است که شما وقتیکه مساله اربعین، مساله زیارت و اهمیت زیارت سیدالشهداء، مساله حجج الله علی الارض و حجه الله علی الارض را ندانید؛ خب فرض کنید که دیگر داریم میرویم یک جایی... موکبها هم

که الحمدلله مشغول میکند آدم را... البته نمی‌گویم بی‌تاثیر است. مثل این آدمهای روشنفکر نمی‌گویم هیچی نیست، مثل اینست که بروی زیارت شاه‌چراغ. مثل قرآن خواندن بی‌توجه است که حتماً تاثیر دارد ولی تاثیر آن قرآن خواندن کجا با اینکه شما میخواهید بروید إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ، كَقَطْعِ أَيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ دنبال یک همچین قرآنی بگردید.

اینجا من به یک نکته‌ای اشاره کنم. این نکته مستقلاً مهم است و در بحث زیارت سیدالشهداء و اربعین هم مهم است

در حج یک کاری که در سنت حج هست و خیلی هم مهم است، تطهیر مال است. این بحث تطهیر مال را می‌شود چند جور به آن نگاه کرد. مثلاً من حجم خراب نشود بروم مالم را صاف کنم. بالاخره چیزهایی که می‌خرم؛ لباس احرام می‌خرم، چادر احرام می‌خرم؛ حلال باشد. در قرآن این بحث تطهیر مال و بحث مال، هم در قرآن هم در روایات و هم در تاریخ اسلام یک جهت دیگری دارد، جهات مختلف و متعددی دارد. من نمی‌خواهم به تمام جهات بحث مال پردازم. ببینید در بحث مال، قرآن یک سر ناسازگاری با مال اندوزی دارد. حتی مال اندوزی از سر حلال و شاید به تعبیری مال اندوزی از سر حلال را هم حلال نمیداند!

به لحاظ تاریخ اسلامی شما نگاه کنید می‌بینید که وقتی که بحثهای اقتصادی در جامعه اسلامی به عدم توازن می‌رسد، یک مقداری مساله اسلام خیلی مساله بخرنجی میشود. به عنوان نمونه، دو سه تا نمونه عرض کنم که دشمنی با اهل بیت با چه سبک و سیاقی جلو رفت.؛ ببینید پس از آن دوازده سال ابتدایی بعد از رحلت پیغمبر که خلیفه اول و دوم بودند، به دلیل فتوحات زیادی که در جامعه اسلامی شد و اموال زیادی وارد جامعه شد، خلیفه سوم یک کارها و قوانین و مصوباتی را گذراند (گذاشت) در جامعه آن موقع که (که خوب نبود) و یک سری از کسانی که خیلی جزو طرفداران پر و پا قرص امیرالمؤمنین بودند و دوازده سال هم تحمل کرده بودند، اینها را می‌بینید آلوده شدند. مثل شخص زبیر! به عنوان یک نمونه مهم. زبیر آن موقع که کسی جرات نفس کشیدن نداشت دم از امیرالمؤمنین میزد. یک صحابی کباری هم بود که به هر جهت شمشیر زبیر یکی از معروفهایی است که هرکسی اندکی تاریخ خوانده باشد میداند که معنی شمشیر زبیر چیست

ببینید زبیر می‌رسد به جاییکه هزارتا پرسنل داشته است. حقوقهایی که از حاکمیت می‌گرفته است در حد میلیون درهم بوده است. شما الان یک شرکتی داشته باشید که هزار تا پرسنل داشته باشید، ببینید چه آشپزخانه‌ای دارد، چقدر نان می‌خواهد چقدر نانواپی می‌خواهد که همین اینها را بخواهید بدارید. (داشته

باشید) طبیعتاً همین تعداد آدمی که بخواهید بدارید که الکی نیستند. دارند فلان شرکت را اداره میکنند، فلان جا هستند، فلان هلدینگ و کشاورزی و ... همه اینها را دارند کار میکنند و اداره میکنند اینها را. این مطلب بحث مال، چیزی بود زیر را زمینگیر کرد و او را انداخت در فضای کاسی. و شد یکی از بزرگترین ملاکها و تجار زمان عثمان. که مسعودی بعد از چهارصد سال می گوید ما هنوز برای دیدن کاخهای زیر در مدینه و کوفه و بصره هنوز می رویم. ببینید یک کسی مثل زیر وارد یک همچین مناسبات مالی شد.

این همینطور ادامه پیدا می کند. شما ببینید از فرزندان ائمه حتی، جریان عبدالله افطح که درحقیقت برادر امام کاظم و پسر امام صادق علیهما السلام میشد، و اینکه چطور عبدالله افطح و خمسهایی که عملاً رفته رفته زیاد شده بود. عبدالله افطح کسی بود که سر راه، آدم می گذاشت \_ ( سر راه) کسانی که می خواستند ببیند بعد از امام صادق چه کسانی قرار است کار را دستشان بگیرند و بالاخره امام کیست \_ سر راه اینها، آدم گذاشته بود و ( آنها را ) می آوردند پیش عبدالله افطح که با او بیعت کنند و مقصود اصلی بیعت کردن با عبدالله افطح و فَطْحِیْهِ، ( مقصود اصلی) پول بوده است. تاریخ میگوید یک گروه آمدند و قبول نکردند او امام است، می گوید حداقل خمستان را بگذارید و بروید.

یا می بینید که در واقفیه، اصلاً این که چطور اینها برگشتند گفتند که امام کاظم علیه السلام عروج کرده است. چه کسانی گفتند عروج کرده است؟ خود وکلا! چرا این را گفتند؟ به دلیل اینکه پول دستشان بوده است آن مقدار. این دولت در سایه آنها آنقدر بزرگ شده بوده است که پولهای عجیب و غریبی دست اینها بوده است و اگر قبول می کردند که امام رضا امام بعدی است باید پولها را تحویل میدادند! برای همین پولها را تحویل ندادند و برایش یک منطق درست کردند که امام نمرده است و عروج کرده است.

این یک مطلبی است که می بینید اگر امام حسین هم می گویند *مُلِّتْ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ* شما اگر اجازه نمی دهید به من که حرف بزَنَم *مُلِّتْ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ*. یا شب آخر میگویند که *لَا يُقَاتِلْ مَعِيَ*، من علیه دین کسیکه دین به گردنش دارد با من نیاید. گرچه این روایت روای مستند و با سندی نیست، اما خود این نکته که در روایات دیگری تاییدیه اینجور روایات هست. مثلاً فرض بفرمایید که شهید اولین خونش که ریخته میشود همه چیزش بخشیده میشود الا الدین. اصلاً دیونش بخشیده نمیشود. دیونش باید پرداخت شود. و یکی از چیزهایی که ائمه ما به امام بعدی می سپرند، چون ائمه ما خلیفهایشان، عموماً بدهکار از دنیا میرفتند می سپردند که بدهی ما را بدهید. یکی از کارهای امام بعدی، دادن بدهی امام قبلی است.

بخصوص آنجایی که بحث مال و مال اندوزیها، ساختاری میشود. یک موقع من برای خودم می‌روم یک گوشه‌ای خدایی نکرده به کسی رشوه میدهم. یک موقع می‌شود که در ادارات دولتی میدهند و میدانند و میگویند، خیلی راحت هم میگویند مثلاً بابت فلان بار که باید رد کنیم صد تومان باید بدهیم که رد شود. آنجا فلان سوخت‌برها و برای فلانجا اینطور. می‌بینید که هی باید این را بگویید و همه هم می‌گویند. یعنی میرسد به یک حالت ساختاری و زیر ساختی. و از آن طرف حق و حقوق امام داده نمیشود. یعنی چه به لحاظ خمس چه لحاظ زکات حق و حقوقشان داده نمیشود. جامعه‌ای که به این نقطه برسد اقتضای امام گشتی دارد در آن.

چندتا آیه برایتان بخوانم. این آیات را با یکدیگر نگاه کنیم. خود صرف داشتن و خرج نکردن. نه فقط داشتن، امیرالمومنین هم داشت ولی به محض اینکه به دست می‌آورد خرج میکرد. شما این آیه مهم را نگاه کنید که آیه مربوط به صدقه هست. آیه 103 سوره توبه/ صفحه 203.

ببینید از آنجایی که کلاً پول جزو چیزهایی است که جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا. مساله مال. الان می‌بینید که در انتخابات یکی از بحثهای مهم همین بحثهای اقتصادی است که مردم اقتصادشان اینطور، مردم اقتصادشان اینطور، من راهکار اقتصادی دارم اینطور، او راهکار اقتصادی دارد اینطور. حتی عرض کردم که در سوره مبارکه منافقون؛ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا یعنی شما اقتصاد پیغمبر را خراب کن، از دورش پراکنده میشوند. اقتصاد حاکم دینی را خراب کن، تحریم اقتصادی کن، اینها را در یک نقطه‌ای جمع کن و یک سری صاحبان قدرت و ثروت را به وجود بیاید؛ این خودش خراب میکند. هم فضای فرهنگی را خراب میکند، هم فضای اقتصادی را خراب میکند، کارآمدی حکومت اسلامی را خراب میکند، همه چیز را خراب میکند این کار. مساله مال از آن مسائل بسیار مهم است.

ببینید دارد که خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ از اموالشان صدقه بگیر که تُطَهِّرُهُمْ آنها را تطهیر کنی. خودشان را تطهیر کنی نه مال را تطهیر کنی. وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ ببینید دستور خدا به پیغمبر و به تعبیری به ائمه اطهار این است که وَصَلَّ عَلَيْهِمْ دعا کن برای آنها. شما الان چقدر خوشحال می‌شوی اگر امام زمان برایتان دعا کند؟ شما بفرمایید امام زمان دارد برای شما دعا میکند چقدر حاضری بدهی؟ إِنَّ صَلَوَاتِكَ سَكُنَ لَهُمْ این دعای تو برای آنها موجب آرامش است. ببینید الان تمام مشکل بشریت همین آرامشش هست. حاضر است هرچیزی بدهد تا به آرامش برسد. اینجاست که یکی از عواملی که انسان به آرامش می‌رسد این است که (انسان) حق و حقوقش را بدهد تا امام زمان برای او دعا کند. وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

وگرنه اگر حق و حقوقش را ندهد این مال به عنوان مال مسموم است. شما چقدر دقت میکنید یک شیر می‌خواهید بخرید تاریخ مصرفش را نگاه میکنید. شیر که می‌خرید تاریخ مصرفش را نگاه می‌کنید که چیزی که می‌خواهم من ببرم خودم بخورم، بچه‌هایم بخورند، این مسموم نباشد، تاریخ مصرف گذشته نباشد. پول در حساب انسان تاریخ مصرف دارد! اگر تاریخ مصرفش بگذرد فاسد میشود پول. حتی پول را بعدا می‌خواهید استفاده کنید پولت فاسد شده است. این مال باید سریع رد بشود. مالی که انسان به دست می‌آورد باید سریع رد بشود. حالا در حد معمولی معقولی برای خودش، (استفاده کند) برای همین است نه تنها صدقات واجب که خمس و زکات باشد در ذیل **وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ \* لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ** گفته‌اند نه این فقط صدقات واجب نیست، اصلا صدقات واجب نیست. این صدقات مستحب است. شما اینهمه صفر در حساب خودتان نگه میدارید، آن موقع در کنار شما کسی به واسطه پول نداشتن دارد فحشا انجام میدهد. اینها هم عیال خدایند.

تا بحث مال است یک سری آیه برایتان می‌خوانم که یک مقدار فضا جدیتر بشود که شما باز در (دانشگاه) شریف هم این نکته را عرض کردم. بعضیها دنبال اینند که بگویند باید سیستم اقتصادی مملکت درست بشد تا فلان بشود، باید اوضاع بورس فلان شود، سکه و دلار برود بالا بیاید پایین، بنزین را باید فلان بکنند، این که راهش نیست. ... باشد این راهش نیست اما شما اگر بچه خودت مریض باشد، یا گرسنه باشد شما اصلا دنبال این نیستی که اقتصاد مملکت کجایش خراب است که باید درست شود. بچه غذا ندارد بخورد، شیرخشک ندارد، شما بگویی وایسا باید اقتصاد مملکت درست بشود، باید دلار درست بشود، باید بانکها ناترازشان چه بشود. هیچ موقع این را نمی‌گویی! شما می‌گویی بنده موظفم بروم از زیر سنگ هم که شده برای بچه ام شیر خشک پیدا کنم.

حالا عده‌ای مال زیاد دارند و بخشش دارند و بخششهای فراوان و... این بخششهای فراوان لطف نیست، این را بدانید وظیفه آنهاست. وظیفه هر پر صفری در حساب این است که اینکارها را انجام بدهد! می‌خواهم این نکته را عرض کنم. چندتا آیه ببینیم اول. یک مجموعه آیاتی داریم راجع به مترفین. **مُتْرَفٍ** یعنی همین آدمهای سرحال؛ پولدار که هر جور خرج می‌کنند و ریخت و پاش می‌کنند، اینجور آدمها در قرآن به شدت مورد سرزنشند. **قَارُونَ صَفْتَهَايِ كِه لَتَنُوْا بِالْعَصْبَةِ اُولِي الْقُوَّةِ ...** واقعا یک سری حساب رس باید بایستد حسابهای اینها را نگه دارد. (کلیدهای خزائن اینها را نگه دارند) یک سری حقوقی باید بایستد حسابهای اینها را نگه دارد.

من یک چندتا (آیه) به شما نشان بدهم. سوره توبه 86 را نگاه کنید. میشود صفحه 200.

وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ وَقَتِي يَكُ سُوْرَةُ اِي نَازِل بَشُوْد كِه خُوَاسْتِه بَشُوْد كِه اَنْ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ وَ جِهَاد بَا رَسُوْل بَكْنِيْد، اَسْتَدْنَك اُوْلُوْا اَلطَّوْل مِنْهُم بِيْنِيْد اَلطَّوْل مِنْهُم اَنْ تُوَانْمَدَان هَسْتَنْد كِه مِيَايَنْد اِجَاْزِه مِيْگِيْرَنْد وَقَالُوْا دَرْنَا نَكُن مَعَ اَلْقَعِيْدِيْنَ بَگْذَارِيْد مَا بَنْشِيْنِيْم، مَا رَا وَاْرِد اِيْن دَرْگِيْرِيْهَا نَكْن. اُوْلُوْا اَلطَّوْل اِيْن كَار رَا اِنْجَام مِيْدِهَنْد. اِيْنهَا بَحْث جِهَاد وَ اِيْنهَا، ( هَسْت كِه اِيْن صَحْبَتَهَا رَا مِيْ. گُوِيْنْد) وَگِرْنِه اِنْجَايِي كِه قَدْح بَرْگِرْدَد كَارْهَايِي مِيْكَنْد. (كِه نَگُو!) فَقَط يَكِي اَز صَاْحَبَان صَنْاِيْع اِيْن رَا عَلِي الْعَلْم مِيْگُوِيْم بِه اَقَاي پَزَشْكِيَان هَشْتَصْد مِيْلِيَارْد كَمَك كَرْدِه بُوْد. اَنْجَايِي كِه بَدَانْد مَمَكْن اَسْت قَدْح بَرْگِرْدَد اِيْن كَار رَا مِيْكَنْد. كَمَا اِيْنكِه شَمَا اَقَاي طَبْرِي رَا دِيْدِيْد دَرْ تَلُوِيْزِيُوْن گَفْت كِه مَن بَگُوِيْم كَل لُوَاسَان رَا بَرَاي مَن سَنْد بَزَنْد مِيْ زَنْد. وَلِي اُوْلُوْا اَلطَّوْل اِجَاْزِه مِيْگِيْرَنْد اِيْن كَار رَا نَكَنْد. وَاْرِد جِهَاد فِی سَبِيْل اَللّٰه نَشُوْنْد. بِيْنِيْد وَقْتِي كِه مِيْ گُوِيْد اُوْلُوْا اَلطَّوْل اِيْن كَار رَا نَمِيْكَنْد، اِيْنهَا تَعْلِيْق حَكْم بَر وَصْف اَسْت، مَشْعَر بِه عَلِيْت اَسْت. يَعْنِي بِه چِه دَلِيْل اِيْن كَار رَا نَمِيْكَنْد بِه دَلِيْل اُوْلُوْا اَلطَّوْل بُوْدنْشَان. يَعْنِي تُوَانْمَنْدِي وَ بِي بَنْبَسْتِي كَلَا حَتِي دَرْ بَهْتَرِيْن اَدْمَهَايِش گَاهِي اَوْقَات يَكِ گَنْدِه دِمَاغِيْ هَايِ خَاَصِي مِيَاوْرْد. اِيْنهَا رَا مَن حَتِي دَرْ اَدْمَهَايِي كِه مِيْخُوَاهَنْد مَتُوَاضِع بَاشَنْد بَاْز هَمْ دَرنَمِيَايِيْد. يَعْنِي هَرْكَارِي هَمْ كِه مِيْكَنْد كِه مَتُوَاضِع شُوْد؛ تُوَاضِع اَز او دَرْ نَمِيَايِيْد. حِيْف نَمِيْتُوَانْم اَسْم بَگُوِيْم @

اصلا يكي هيچ بن بستى در مقابلش نبوده است، نه در خريدها، نه در رفت و آمدها، حتى نه در كمك كردنها. هرچيزي را توانسته است رد كند يك. (نكته)؛ دو انقدر احترامهاي جورواجور ديده از همه، همه در مواجهه با او خاضع بوده اند. كلا يكجوري اينها در وجوشان يك برتري وجود دارد، چون هيچ جا را به بن بست نرسيده است. هركاري خواستند كردند. نميگويم كار زشت كردند، هركاري دلشان خواسته است کرده اند. اينها اُوْلُوْا اَلطَّوْلِند. اينها آدمهاي توانمندان رويايي هستند خيلي وقتها. همه چيز او كي بوده است، هيچ موقع هيچ چيز بن بست نبوده است. يعنى حتى مريضيهائشان با بن بست مواجه نميشود. يعنى اُوْلُوْا اَلطَّوْلِ هستند يعنى صاحب دست بازند. اينها كلا عرض و طولشان زياد است. بعد از آن طرف هم به دليل اينكه خيليها به اينها تواضعهاي خاص ميكنند/، كلا مي بيني بعضا آدم بدى هم نيست ولي گير افتاده است. هرچقدر هم ميخواهد متواضع باشد نميتواند متواضع باشد.

آيه 16 اسراء را ببينيد : وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَا تَدْمِيرًا

یا مثلا در آیه 33 سوره مبارکه مومنون صفحه 344 وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِيقَاعِ الْآخِرَةِ  
آن ملا این چهره‌های اینطوری كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِيقَاعِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا این وقتی كه أَتْرَفْنَاهُمْ فِي  
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا این میگوید مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ یعنی ببینید خود  
این أَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا در حیات دنیا اینها مترف شدند و خوشگذران شدند، این كه همراه با پولداری  
است. یعنی خوشگذران مثل خوشگذرانی كه مثلا برود پارک این نیست. خوشگذران شدند، آن موقع این  
حرف در میاید كه شما هم يك بشری هستيد مثل ما.

(جواب سوال: بله یکی از ابتلائات است. من این را قبلا هم گفته ام. کسانیكه در خانواده های ثروتمند،  
ثروتمند درست ثروتمند. این طلبه های ما هم فكر میکنند پنج میلیون ته حسابشان هست ثروتمندند. نه  
درست ثروتمند. آدمهای بی بن بست دیگر. اینهایی كه این مدلی قرار میگیرند، واقعا باید خودشان را تمرین  
بدهند برای اینکه یکجور دیگری زندگی کنند. جهادی بروند. خودشان را با محرومین؛ زیاد ارتباط بدهند.  
پول در حسابشان زیاد نگه ندارند. فرض کنید اگر باباش میتواند سویچ فلان ماشین به او بدهد برود یک  
ماشین معقول اینجوری راه، ماشینی كه عمدتا مردم سوار میشوند و عرف نکوید اوف یا یه همچین چیزی؛  
بخرد. بالاخره خودش را باید تمرین بدهد دیگر. این باید یک تمرین و ریاضتی به خودش بدهد. یک جور  
خاصی زندگی کند. نمیتواند بر اساس جیب بابا یک هزینه کرده‌ی خاص داشته باشد. و حتی آن کسانیكه  
خودشان وضعشان خوب است، اینها باید یک خانه معمولی، زندگی معمولی. اینها جزو تمرینهایشان است.  
شما ببینید در این روایت است، تیح الفقراء، در نهج البلاغه میگوید ما أحسن تواضع الأغنياء للفقراء ببینید  
چقدر قشنگ است تواضع اغتیا برای فقراء. یعنی غنی نسبت به فقیر تواضع به خرج بدهد. آن هم نه  
بخاطر اینکه بگویند این چه آدم متواضعی است، طلبا لما عند الله یعنی چه؟ یعنی بدانند كه چیزی كه دست  
فقیر است خیلی چیز بزرگی است و هیچی هم دست من نیست، هیچ تفاوتی ما نداریم. به حسب انسانی ما  
با هم هیچ تفاوتی باهم نداریم. و أحسن منه و از آن بهتر تیح الفقراء على الأغنياء اتكالا على الله این بی  
توجهی كردن فقرا بر اغتیاست. یعنی فقرا هی موس موس اغنیا را نکنند، دور و برشان نپلکند، احترام خاص  
نکنند، سلام خاص نکنند، اتكالا على الله به توكل به سمت خدا.

برگردیم. ببینید بحث این است ما مساله ای به نام مساله مال و مال اندوزی و حساب مالی را صاف نکردن  
؛چه به جهت واجبش چه به جهت غیر حقوقی مالی خمس و زکات. کلا کسیكه دست به این کار نمیبرد. دارد  
شیء مسمومی را مصرف میکند، مال مسموم دارد مصرف میکند. این نباید توقع داشته باشد كه در عین



اینکه جیب امام را داری میزنی (در یک مطلب مهمی به اسم مال جیب امام را میزنی)، از این طرف میخواهی عزیز کرده امام هم بشوی. خب این نیست اینجور. شما جیب امام را داری میزنی بعد میخواهی پیش امام هم جایگاه ویژه ای پیدا کند؟ خب حتما پیدا نمیکند. جامعه‌ای که در آن جامعه نسبت به مسائل مالی بی توجهی خاص میکند و فضا را پر از استرس مالی کرده است و فقیر و غنی ساختاری دارد درست میکند. ببینید همیشه خدا اصلا در روال خودش فقیر و غنی *يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ* وَيَقْدِرُ لَهُ فَقِيرٌ وَ غَنِيٌ درست میکرده است. اما شما فقیر و غنی ساختاری دارید درست میکنید. اگر کسی این کار را بکند و جامعه ای این کار بکند، این جامعه اقتضای امام کثی دارد اتفاقا. حالا تا بیاید وضعیت اقتصاد ساختاری ما درست بشود، تا بیاید این اتفاق بیفتد؛ آدمها باید هوای همدیگر را داشته باشند. این جبران آن ساختار اشتباه مالی است. آدمها باید فکر محرومین باشند، باید این کارها را بکنند. خدا هم این تفاوتها را گذاشته است بابت اینکه ماها دست به جیب بشویم. بتوانیم بکنیم از خودمان *لَن نَّأَلُوا آلِيَّ حَتَّىٰ نُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ* از ما تحبون بتوانی بکنی.

این را در مساله زیارت سیدالشهداء؛ در مساله اربعین این را لحاظ کنید و به بقیه هم بگویید. اقل اینکه میتوانید کنید این است که یک ناتوانی را به سمت اربعین تجهیز کنید. یعنی تکخوری نکنید در این کار، تک خوری نکنید. حتی اگر در حد یک کاروان بتوانید بانی شوید و تجهیز کنید، یک کاروانی از یک نقطه‌ای که اینها نمیتوانند بروند، این از شما یک پذیرایی خاص میکنند. این اتوبوسها را دیدید در بین راه یک رستورانی گیر میاورند می‌ایستند؟ به خود آن راننده اتوبوس ویژه آن رستوران میرسد. یک غذای متفاوتی ( به او می‌دهد) برای اینکه همه را برداشته و آورده است.

ببینید اقتضای حرکت کاروانی چون اقتضایش به سمت امام است، ( ارزش و خیر دارد) بقیه را پیش امام آوردن هنر است. نه اینکه خودتان بروید پیش امام فقط. عرضم واضح است؟ یکی از کارهای خیلی ویژه همین است که شما ... مثلا همین کلاس که بیست نفر در آنند بعضی اوقات پنجاه نفر هم در آن هستند، بانی بشود که یک کاروانی را بفرستد به سمت اربعین به سمت کربلا. آن موقع ما وظیفه مان در این قبال فهمیده ایم. از آنهایی که نمیتوانند بروند. یک کاروان جور بکنید یک کاروان را بفرستید. هزینه انچنانی هم نمی‌شود... و مهم این است که دست زیاد بشود یک نفر ممکن است بگوید من کلش را میدهم. نه! یک کاروان چهل نفره که اندازه یک اتوبوس بشوند، اینها تا دم مرز بروند و بتوانند خودشان را بیاندازند در مشایه؛ بقیه‌اش را میروند. پول جمع کنیم که هدفمان را بتوانیم محقق کنیم. آن موقع به اینها می‌گوییم دعا

کنند، بعد امام دعا میکند. دعای امام فرق دارند إِنَّ صَلَوَتَكَ سَكُنٌ لَّهُمْ<sup>ﷺ</sup> دعای امام فرق دارد با دعای دیگر.  
موجب آرامش میشود دعای امام. دعای بقیه موجب آرامش نمیشود، همچین وعده ای ما نداریم. ولی  
دعای امام موجب آرامش است إِنَّ صَلَوَتَكَ سَكُنٌ لَّهُمْ<sup>ﷺ</sup>.

والسلام علیکم